

این مأموریت، ابتر می ماند.

از این جهت است که در فرازهای خطبه‌ی غدیر، شاهد معرفی عترت پیامبر ﷺ به ویژه امام مهدی ﷺ و ویژگی‌های حکومت ایشان هستیم. بنابراین ماجرای غدیر، انتخاب و انتصاب قافله‌سالاران بشریت برای عبور مردم از شدائد آخرالزمان، رشد آن‌ها در خلال این مسیر و رساندن ایشان به تمدن پایانی ظهور است.

پس اسلام بدون غدیر و غدیر بدون ظهور، متجلی نمی‌شود. آن کمال اعلام شده در دین و آن نعمت به اوج رسیده در ولایت و آن مظهر رضایت خداوند در غدیر جز با ظهور، عملی نخواهد شد. آن برنامه مدون الهی در غدیر، به دست آن موعود غایب از نظر و در روزگار ظهور ایشان تجلی خواهد یافت.

در عصر ظهور معلوم خواهد شد که مردم چقدر نیاز به غدیر داشتند و چه چیزی را به فراموشی سپردند. هم

تکلیف غدیر با انسان‌ها و هم تکلیف انسان‌ها با غدیر، در آن روز روشن خواهد شد و امام زمان ﷺ مردم را متوجه فراموشی و از دست دادن غدیر می‌نمایند. چرا که در غدیر، وعده ظهور داده شده و تحقق آن حتمی خواهد بود.

گویی در روز غدیر، پیامبر اسلام ﷺ می‌خواستند بفرمایند: آگاه باشید ای مردم! من امروز اتمام حجت کردم و ائمه راستین و حقیقی شما را که علی‌الیه و اهل بیت طاهرین ایشان هستند، به شما معرفی کردم و نام آن‌ها را برای شما بردم. حال اگر بنا بر هر دلیلی از صراط اهل بیت ﷺ منحرف شدید و تن به ولایت کس دیگری دادید و مسیر اسلام را منحرف کردید، بدانید که در نهایت مردی از اهل بیت من خواهد آمد که از جانب خدای تعالی هدایت شده است، قیام می‌کند تا دین و سنت حقیقی اسلام را زنده نماید.

در آن روز بشر در تعالی و رشد به اوج می‌رسد و نهایت قابلیت‌های خود را نشان می‌دهد. او صراط مستقیم را پیدا

می‌کند و به سوی اهداف الهی حرکت می‌نماید و از هر انحرافی مصون خواهد بود. اسلام در کامل‌ترین صورت خود متجلی خواهد شد و شر و ظلم و فتنه در همه‌ی گونه‌های آن رنگ می‌بازد و همه‌ی موجودات با امنیت کامل زندگی خواهند کرد. عصر ظهور روزگاری است که خداوند از بندگان راضی می‌شود و بهترین شیوه اداره‌ی جهان هستی به بشر نشان داده خواهد شد.

به امید آن روز

۱- ۸ / صف

۲- ۹ / صف

۳- ۳۳ / توبه- ۲۸ / فتح

۴- تفسیر اهل بیت ﷺ ج ۱۶، ص ۲۲۴- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۱۸ / الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲

۵- همان

۶- ۶۷ / مائده



بنیاد فکری و فرهنگی



مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موجود (عج) افراس

تجلّی کامل اسلام

خداوند یکی از مأموریت‌هایی که برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ تبیین نمودند، ابلاغ ولایت بود. ولایتی که عالم و آدم را به سوی تمدنی که قرار است فراگیر شود، هدایت می‌کند. همان تمدنی که ما از آن با عناوینی مثل تمدن بزرگ جهانی در عصر ظهور، حکومت جهانی یا دولت کریمه یاد می‌کنیم. در این باره خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۱؛ همواره می‌خواهند نور خدا را با سخنان باطل [و تبلیغات بی پایه] خود خاموش کنند ولی خدا جز این که نور خود را کامل کند، نمی‌خواهد، هر چند کافران خوش نداشته‌باشند.

و در آیه بعد می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۲؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته

باشند. این مأموریت رسول خدا ﷺ را تقریباً با همین عبارات، در آیات دیگر نیز^۳ بیان می‌فرمایند.

با نگاهی به مجموعه‌ی این آیات در می‌یابیم که خداوند از صدر اسلام برنامه‌ای با عنوان اتمام نور خود در کل عالم داشته است و دشمن این جریان نورانی بایستد و خداوند جهت پیشبرد این برنامه عظیم، رسولی را فرستاده تا مجرای نور خدا شود و این رسول الهی با دو ابزار

هدایت و دین حق، این دین را بر سایر ادیان غلبه می‌دهد تا فرآیند تام شدن نور خداوند بر پهنه‌ی گیتی تکمیل شود و خداوند با عبارت «مُتِمُّ نُورِهِ» این نکته را یادآور می‌شود که اگر ندای اسلام از زبان پیامبر، نور است تداوم آن در شکل امامت، اتمام نور است اما هنوز تحقق کامل این امر صورت نگرفته است.

امام کاظم (علیه السلام) در شرح این آیات می‌فرماید: منظور از لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ یعنی يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ^۴؛ دین را بر تمام



ادیان هنگام ظهور قائم (علیه السلام) غلبه می‌دهد. بعد این جریان را به این فراز از آیه قبل ارجاع داده و می‌فرمایند: يَقُولُ اللَّهُ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَايَةِ الْقَائِمِ^۵. برنامه تام شدن نور خدا با ولایت قائم (علیه السلام) رقم می‌خورد.

پس می‌توان گفت: ماجرای غدیر پیامی فرازمانی و فرامکانی دارد. به این معنا که آن مأموریتی که خداوند برای رسول بزرگوار خویش در راستای تمدن ظهور و یا دولت کریمه در آیات متعدد قرآن از جمله آیات ۳۳ توبه، ۲۸ فتح و ۹ صف در نظر دارد، باید به وسیله‌ی امامی منسوب از جانب خداوند و خلیفه‌ای شایسته‌ی این مقام، تداوم یابد و از آن جا که از مهم‌ترین مأموریت‌های رسالت پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ حرکت در این مسیر بود، اگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را به عنوان ولی و خلیفه‌ی برحق خداوند منسوب نمی‌کردند، به تعبیر قرآن «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^۶؛ یعنی گویی رسالت خویش را به تمام و کمال ابلاغ نمی‌کردند و